

آینده پژوهی همکاری‌های دفاعی عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر پایه سناریونویسی

یعقوب زهدی نسب^۱

ساسان محمودی طولش^{۲*}

چکیده

همکاری‌ها و ائتلاف بین کشورها بیشتر بر مبنای علایق، منافع و دشمن مشترک شکل می‌گیرد. یکی از عوامل مهم در همگرایی میان عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی، مقابله با نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد. در راستای این هدف، راهبردهای خود را در کشورهایی مثل سوریه، عراق و یمن در سال‌های اخیر همسو کرده‌اند. در واقع این همکاری‌ها برای مقابله با تهدید مشترک به نام نیروهای مقاومت با محوریت ج.ا.ایران شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای همگرایی آن‌ها بر محیط امنیتی ج.ا.ایران، فراهم شدن زمینه همکاری‌های دفاعی برای اقدامات بی‌ثبات‌ساز، تروریستی و خرابکارانه از سوی صهیونیست‌ها است. بنابراین هدف پژوهش حاضر «شناسایی و احصاء همکاری‌های احتمالی دفاعی میان رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده در مقابل ج.ا.ایران» می‌باشد. این پژوهش از لحاظ نوع تحقیق، کاربردی است که از روش سناریونویسی انجام گرفته است. برای دستیابی به این هدف، روندها، کنشگران، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر همکاری میان رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده مورد مطالعه قرار گرفت. بر مبنای تداخل دو عدم قطعیت کلیدی یعنی «سیاست منطقه‌ای آمریکا و تحرکات نظامی - امنیتی از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرماندهی‌ها»، چهار سناریو در خصوص همکاری‌های احتمالی میان آن‌ها تدوین گردید. سناریوهای مذکور، از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران مورد ارزیابی قرار گرفت که در نهایت، سناریوی شماره سوم (منطقه غرب آسیا؛ منطقه‌ای نسبتاً پایدار) مطلوب‌ترین سناریو برای ج.ا.ایران و سناریوی شماره اول (منطقه غرب آسیا، منطقه‌ای پرتنش) به‌عنوان محتمل‌ترین سناریو انتخاب شدند.

واژه‌های کلیدی:

سناریونویسی، همکاری‌های دفاعی، رژیم صهیونیستی، امارات، عربستان

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

^۲ دانش آموخته مدیریت راهبردی دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

مقدمه

همکاری‌ها، ائتلاف و اتحاد بین کشورها بیشتر بر مبنای علایق، منافع و دشمن مشترک شکل می‌گیرد. واقعیت امر این است که رژیم صهیونیستی پس از وقوع انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل تعارض ایدئولوژیکی و موجودیتی همواره بزرگترین تهدید برای خود تلقی می‌کند. از طرف دیگر عربستان سعودی به منظور تغییر جهت در مسیر استمرار نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به سمت رویارویی و مقابله با آن پیش می‌رود. رژیم صهیونیستی با احساس تهدیدی قدرتمند از جانب جمهوری اسلامی و در راستای ایجاد موازنه تهدید، منافع خود را در نزدیکی هر چه بیشتر با عربستان می‌بیند، کشوری که هیچگاه نه در گفتار و نه در عمل تهدیدی جدی علیه رژیم صهیونیستی مطرح نساخته و بلکه این پتانسیل را دارد که ضمن برقراری یک ائتلاف با رژیم مذکور، محوری قدرتمند را در برابر ج.ا.ایران ایجاد کند و هم به عنوان مرکز دنیای عرب مسلمان، به تدریج پیش‌تاز از بین بردن قبح برقراری روابط با رژیم صهیونیستی شود. به همین لحاظ است که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا جمهوری اسلامی، یعنی دشمن اصلی خود را به عنوان تهدیدی اساسی برای کشورهای عرب منطقه جلوه دهد و در عین حال با متحد ساختن این کشورها علیه ایران، موضوع فلسطین و اشغال این سرزمین را از کانون توجه آن‌ها خارج سازد.

امارات متحده عربی نیز به دلیل ادعای مالکیت بر جزایر سه گانه ایرانی «بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک» از سال ۱۹۹۱، به متحد راهبردی عربستان سعودی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. این دو کشور آشکارا در سیاست منطقه‌ای، همسو و هماهنگ باهم عمل می‌کنند. به عنوان نمونه می‌توان به همکاری این دو کشور در سرکوب قیام مردمی بحرین، اتخاذ سیاست‌های یکسان در بحران سوریه و جنگ علیه یمن اشاره کرد. بنابراین، مجموعه این عوامل، باعث همگرایی و همکاری میان عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی در راستای مقابله با نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه گردیده است. در راستای این هدف، راهبردهای خود را در مناطق و کشورهایی مثل سوریه، عراق و یمن در سال‌های اخیر همسو کرده‌اند. در واقع این همکاری‌ها در قالب موازنه تهدید برای مقابله با تهدید مشترک به نام نیروهای مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. رژیم صهیونیستی در برخی از حوزه‌ها و زمینه‌ها به‌ویژه در حوزه دفاعی و امنیتی با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده دارای روابط غیررسمی، مخفیانه و مقطعی بوده است و در این زمینه به توافقات سری که ارزش آن‌ها به صدها میلیون دلار می‌رسد نیز رسیده‌اند. برای

مثال طی سال‌های اخیر بسیاری از شرکت‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به کشورهای عربستان و امارات در مسائل امنیتی مشورت‌هایی ارائه می‌دهند، حتی این شرکت‌های امنیتی سیستم‌های بسیار پیشرفته امنیتی را در اختیار آن کشورها قرار داده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۵). یکی از مهم‌ترین پیامدهای همگرایی و همکاری میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربستان و امارات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فراهم شدن زمینه همکاری‌های اطلاعاتی، امنیتی و جغرافیایی برای اقدامات بی‌ثبات‌ساز، خرابکارانه، جاسوسی و نفوذ علیه محیط امنیتی، منافع و اهداف جمهوری اسلامی از سوی صهیونیست‌ها می‌باشد. عدم تبیین و شناسایی همکاری‌های دفاعی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده احتمال غافلگیری جمهوری اسلامی ایران در مقابل اقدامات آن‌ها بر علیه محور مقاومت را افزایش خواهد داد، لذا احصاء همکاری‌های دفاعی میان آن‌ها به‌منظور اتخاذ تصمیمات مناسب دفاعی، امری ضروری و انکارناپذیر است. در این تحقیق، محقق به دنبال آن است که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده در مقابل جمهوری اسلامی ایران، به دنبال کدام همکاری‌های محتمل دفاعی می‌باشند؟ در این پژوهش با توجه به اینکه ماهیت تحقیق شناسایی عوامل است، لذا ضرورتی برای تدوین متغیرها و فرضیه‌ها نیست.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

آینده‌پژوهی، مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) امروز، واقعیت فردا تولد می‌یابد (سفلی شهوردی، ۱۳۹۸). آینده‌پژوهی یک فرایند تصمیم‌گیری پیش‌دستانه است که به توسعه‌ی فضای طرح‌ریزی منجر می‌شود. افق نگاه آن ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ سال آینده است، در حالی که برنامه‌ریزی‌های متعارف به ۱ تا ۵ سال آینده نگاه می‌کنند. آینده‌پژوهی فرآیندی است برای تصمیم‌گیری‌های بهتر با نگاه به افق‌های دور (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۱۱). «وندل بل»^۱ بر این باور است که آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند (Bell, 2003: 73).

آینده‌های محتمل: به آن دسته از آینده‌هایی اشاره دارد که احتمالاً تحقق می‌یابد. برای این نوع از آینده‌ها می‌توان احتمال وقوع مختلف در نظر گرفت؛ چراکه بعضی از آینده‌ها از سایر آینده‌ها

^۱.Wendeell Bell

متحمل تر هستند. آینده‌هایی که ادامه وضعیت گذشته و حال هستند، عموماً برای کوتاه مدت به‌عنوان آینده‌های متحمل در نظر گرفته می‌شوند، حال آنکه هر چه افق زمانی آینده‌اندیشی خود را افزایش دهیم، از احتمال تحقق آنها کاسته می‌شود (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

همکاری دفاعی: روابط دفاعی بین دو کشور را می‌توان مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای نظامی حکومتی و نهادهای نظامی غیردولتی که در دفاع نقش مؤثری دارند و همچنین روندهای نظامی و دفاعی میان ملت‌ها نامید. مانند انجام گفتگوهای دفاعی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن (صفوی، ۱۳۹۴).

سناریوپردازی: سناریوها برای تحلیل روند گذشته و پیش‌بینی آینده کاربرد دارند و تمرکز و توجه اصلی در سناریونویسی ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده می‌باشد. سناریو در واقع درک آینده‌های مختلف در زمان حال است. ایده اصلی بر این اساس استوار است که بذر و جوانه‌های آینده در فضای امروز وجود دارند، به شرط آنکه ما بتوانیم آنها را درست و به موقع شناسایی کنیم (علیزاده، ۱۳۸۷: ۶۵). اگر بخواهیم تعریف جامعی از سناریو داشته باشیم باید گفت: سناریوها داستان‌هایی درباره آینده هستند، اما هدف اصلی آنها اخذ تصمیمات بهتر در زمان حال، جهت رفع نارسایی‌هایی است که مانع رسیدن به آینده مطلوب می‌شود (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۲۳).

سناریوها تنها حدسیات درمورد آینده نیستند. سناریوپردازی کمک می‌کند تا بیان‌دیشیم چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، پیروزمندانه به هدایت امور پردازیم. تدوین مجموعه‌ای از چندین سناریوی متمایز و مقیدکردن عدم قطعیت لایتناهی به یک حدومرز، برنامه‌ریزی سیستماتیک برای انجام اقدامات لازم در یک سازمان را ممکن می‌کند. معمولاً ۳ یا ۴ سناریو برای هر آینده‌پژوهی تهیه می‌شود تا تصمیم‌گیرندگان، در برنامه‌ریزی‌های خود، از رویدادهای آینده آگاه گردند (کارگروه آینده پژوهی و آینده نگاری نیروهای مسلح، ۱۳۹۱: ۸).

استفاده روزافزون از این روش بدین دلیل است که سناریوها، پیچیدگی‌های جهان واقعی را در نظر می‌گیرند و بینش‌های جایگزین در خصوص آینده را با ترتیبی منطقی از رویدادها، بازنمایی می‌کنند (نادری، ۱۳۹۷).

شناخت منافع و اهداف ملی کشورهای مورد مطالعه:

الف- عربستان سعودی: این کشور در منطقه غرب آسیا واقع شده که از شمال با عراق، اردن و کویت، از سمت شرق با امارات متحده عربی، قطر و خلیج فارس، از جنوب شرقی با عمان، از

سوی جنوب با یمن و از سوی غرب با دریای سرخ هم‌مرز است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳). منافع و اهداف ملی این کشور عبارتند از:

- ۱) ایجاد و حفظ برتری و تسلط سیاسی و امنیتی در محیط پیرامونی خود
- ۲) تاکید بر دستیابی به رهبری جهان اسلام
- ۳) ترویج ایدئولوژی خود (وهابیت) در کشورهای مسلمان
- ۴) اتکا به قدرت‌های خارجی به خصوص آمریکا برای تأمین امنیت خود
- ۵) ایجاد و حفظ نوعی از توازن بین بازیگران منطقه و ممانعت از تسلط یکی از قدرت‌ها بر منطقه به خصوص جمهوری اسلامی ایران (معاونت اطلاعات سپاه، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۳)
- ۶) دموکراسی‌ستیزی یا مقابله با جریان‌ات، تحولات و نظام‌های مردمی و انقلابی
- ۷) ایجاد بازدارندگی در مقابل قدرت نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
- ۸) تشکیل ائتلاف عربی-عبری و غربی برای مقابله با محور مقاومت
- ۹) تلاش برای ممانعت از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای
- ۱۰) حمایت از گروهک‌های تروریستی و جذب نیروهای تکفیری و افراطی برای تقویت حوزه قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود (اسدی ۱۳۹۶: ۱۲۳)

ب- امارات متحده عربی: این کشور در جنوب غربی قاره آسیا واقع شده که از غرب با عربستان سعودی، از شرق با عمان و از شمال با خلیج فارس هم‌مرز است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳). منافع و اهداف ملی این کشور عبارتند از:

- ۱) گسترش روابط با قدرت‌های بزرگ، کشورهای اسلامی، اوپک، غیرمتعهدها و سایر کشورهای منطقه
- ۲) فضا سازی مناسب به منظور جلب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی
- ۳) توسعه حاکمیت بر مناطق مرزی اختلافی با کشورهای همسایه
- ۴) بین‌المللی کردن مسئله جزایر سه‌گانه از طریق ارجاع آن به دیوان داوری لاهه
- ۵) جلب حمایت اعضای شورای همکاری خلیج فارس و سایر کشورها جهت دستیابی به جزایر سه‌گانه
- ۶) ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت روبه‌رشد جمهوری اسلامی ایران در منطقه
- ۷) همگرایی با عربستان سعودی در خصوص سیاست‌های منطقه‌ای آن کشور
- ۸) حفظ اتحاد و همکاری با کشورهای غربی به خصوص آمریکا برای تأمین امنیت ملی خود (معاونت اطلاعات سپاه، ۱۳۹۶: ۱۴).

ج- رژیم صهیونیستی: این رژیم در جنوب غرب آسیا واقع شده که از شمال با لبنان، از شرق با سوریه و اردن، از غرب با دریای مدیترانه، از جنوب با خلیج عقبه و از جنوب غربی با کشور مصر دارای مرز مشترک می‌باشد (زنجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). منافع و اهداف رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا عبارتند از:

- ۱) تثبیت موجودیت صهیونیست و گسترش عرصه مشروعیت آن در سطح جهان
 - ۲) نفوذ و گسترش هژمونی خود در منطقه
 - ۳) دستیابی به منابع نفت و گاز و دیگر مواد خام منطقه‌ای برای تولیدات صنعتی خود
 - ۴) تلاش برای یافتن متحدین جدید به‌خصوص کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در منطقه به‌منظور خروج از انزوای سیاسی
 - ۵) براندازی، فروپاشی و تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران
 - ۶) تشویق بیشتر کشورهای منطقه به گسترش روابط همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی
 - ۷) همسو کردن سیاست خارجی کشورهای پیرامون با سیاست خارجی خود در قضایای مربوط به فلسطین اشغالی و صلح با اعراب
 - ۸) تضعیف گروه‌های مقاومت در منطقه و مقابله با این گروه‌ها در پیرامون خود
 - ۹) جلوگیری از تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به قدرت هسته‌ای
 - ۱۰) مقابله با قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه (ملکی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۳)
- د- منطق موازنه تهدید در سیاست خارجی عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی: موازنه تهدید در سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی، منطق خاصی را دنبال می‌کند که هدف، ممانعت از افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و به‌عبارتی، کاستن از تهدیدات این کشور می‌باشد (مرادی کلاردهی، ۱۳۹۷: ۱۴۶).
- ه- همکاری‌های دفاعی و نظامی عربستان، امارات متحده و رژیم صهیونیستی: با وجود انکار مقامات سعودی در مورد تعامل با رژیم صهیونیستی، ولی این کشورها از سال‌ها قبل همکاری و مناسبات پنهانی و حتی در برخی مواقع ارتباطات آشکاری در زمینه‌های مختلف داشته‌اند. در همین راستا باید گفت: در سال‌های اخیر، عربستان سعودی همکاری اطلاعاتی گسترده‌ای را با دیگر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از جمله امارات متحده آغاز کرده است که هدف از آن رصد فعالیت‌های اطلاعاتی و نهضتی ج.ا.ایران در کشورهای حاشیه خلیج فارس، لبنان و سوریه است. بدین منظور کشورهای عربستان و امارات از توان رژیم صهیونیستی به‌ویژه در خصوص رصد تحرکات ایرانی‌ها و حزب‌الله در صحنه لبنان و سوریه استفاده می‌کنند. همچنین

کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده با رژیم صهیونیستی همکاری‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله دفاعی و نظامی دارند که با توجه به شرایط جهان اسلام، آشکارا و علنی اعلام نمی‌گردد. از همکاری میان سعودی‌ها و متحدانش با رژیم صهیونیستی می‌توان به همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی در جنگ یمن اشاره کرد، پس از حمله عربستان سعودی به یمن بر همکاری‌های آن‌ها افزوده شد. بیشتر این همکاری‌ها در بخش اطلاعاتی و کنترل مرزی بوده، ولی در عرصه نظامی نیز شواهدی حکایت از آن داشت که صهیونیست‌ها به صورت مستقیم یمن را هدف قرار داده‌اند که از جمله این شواهد، استفاده از نوعی بمب نوترونی است که توانایی کاربرد و شلیک آن در منطقه، فقط در دست رژیم صهیونیستی می‌باشد (sharp, 2017).

پیشینه‌های پژوهش

۱- مسعود نادری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ میلادی» به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین پیشران‌ها در روابط دو کشور، حمایت ایالات متحده آمریکا از عربستان سعودی و نگرش رهبران دو کشور و عزم آن‌ها در تشکیل ائتلاف‌ها، تقویت و گسترش دو جبهه می‌باشد. محقق با در نظر گرفتن پیشران‌های مذکور و با استفاده از نظرات نخبگان و نرم‌افزار ویزارد، به سه سناریوی «پایان تردیدها، آشوب سازنده و ایستاده با مشت» رسیده است. پیشروی فزاینده محور مقاومت (سناریوی آشوب سازنده) و یا توان دو جبهه (سناریوی ایستاده با مشت) بالاترین احتمال را در سال ۲۰۳۰ میلادی خواهند داشت.

۲- مسعود اخوان کاظمی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «آینده پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا» با بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده پژوهی، شامل: روندپژوهی و تجزیه و تحلیل پیشران‌ها، سناریوهای زیر را تدوین نموده است:

(الف) سناریوی مطلوب: نابودی کامل گروه‌های تکفیری و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک در کشورهای درگیر منازعه براساس مدل تقسیم قدرت
 (ب) سناریوی محتمل: خارج شدن گروه‌های تکفیری از داعیه‌داری تشکیل حکومت؛ اما تقسیم داخلی قدرت در بین قومیت‌ها و مذاهب

(ج) سناریوی ممکن: پیشروی نیروهای تکفیری مدعی حکومت اسلامی و تسخیر سرزمین‌های بیشتر

۳- علی آدمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه» بیان می‌کند که آنچه بیشتر از هر چیز آن‌ها را در کنار هم نگاه داشته است، نگرانی از قدرت و نفوذ شیعه، کاهش حضور و نقش آمریکا در منطقه و بحران‌های ناشی از

افراط‌گرایی است. برخلاف اشتراکات موجود و عوامل سبب‌ساز در عادی‌سازی بیش‌ازپیش مناسبات مابین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند اتحادی قوی به‌ویژه علیه جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان دشمن مشترک خود تشکیل دهند.

۴- وحیده احمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «رژیم صهیونیستی و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، با مطالعه روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی با کشورها و بازیگران پیرامونی، استدلال می‌کند که رژیم صهیونیستی در پوشش روابط اقتصادی به‌دنبال عادی‌سازی روابط سیاسی و گسترش روابط امنیتی و دفاعی با این کشورها است.

مرور پیشینه‌های تحقیق مؤید آن است که مطالعات انجام شده بیشتر بر آینده‌پژوهی روابط عربستان و ج.ا.ایران، روابط و همگرایی میان سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی متمرکز بوده و تبیین همکاری‌های آینده رژیم صهیونیستی با کشورهای عربستان و امارات به‌خصوص در زمینه دفاعی، مغفول مانده است. بنابراین احصاء همکاری‌های دفاعی احتمالی کشورهای مذکور با رژیم صهیونیستی با استفاده از روش سناریونویسی از نوآوری این تحقیق می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

با عنایت به اینکه این پژوهش، مورد استفاده تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در حوزه دفاعی کشور قرار می‌گیرد، کاربردی است و از آن جهت که موجب توسعه و ارائه راهکارهای مناسب در مقابله با تهدیدات دشمنان می‌گردد، توسعه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین، تحقیق حاضر از نوع «توسعه‌ای-کاربردی» است. همچنین روش تحقیق این پژوهش از لحاظ شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق، روش سناریونگاری با استفاده از الگویی از روش شوارتز^۱ می‌باشد که دارای مراحل زیر است: گام اول: ایجاد تمهیدات لازم؛ گام دوم: شناسایی بازیگران؛ گام سوم: شناسایی پیشران‌ها و عوامل تأثیرگذار؛ گام چهارم: شناسایی عدم قطعیت‌ها؛ گام پنجم: تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی؛ گام ششم: نگارش سناریوها؛ گام هفتم: ارزیابی سناریوها (پدرام، ۱۳۹۷).

به‌منظور ارزیابی سناریوهای تدوین شده، از طریق پرسش‌نامه و به روش تمام شمار از نظرات ۵۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران استفاده شده است. پرسش‌نامه توسط محقق به تعداد شش نفر از اساتید و خبرگان دانشگاهی ارائه و گویه‌های پرسش‌نامه از لحاظ «درست مطرح شدن هدف محقق در پرسش‌نامه و قابل فهم بودن گویه‌ها برای مخاطبین» مورد تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی آن

^۱. Schwartz

نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شده و با توجه به مقدار آلفای کرونباخ که برابر ۰/۸۲۵، می‌باشد، پرسش‌نامه دارای پایایی است. بنابراین پرسش‌نامه تنظیم شده دارای روایی و پایایی قابل قبولی می‌باشد. همچنین جامعه آماری شامل مسئولین و مدیران ارشد لشکری و کشوری می‌باشد که دارای مدرک تحصیلی کارشناس ارشد و دکتری، سابقه کار در محل‌های راهبردی بوده و با فرآیند آینده‌پژوهی، منطقه غرب آسیا به‌خصوص کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی آشنایی کافی دارند و به‌صورت هدفمند تعیین شده‌اند.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

برای احصاء همکاری‌های احتمالی دفاعی میان عربستان، امارات متحده و رژیم صهیونیستی از روش سناریونویسی (الگوی منتخب از روش شوارتز) استفاده شده و دارای گام‌های زیر می‌باشد:

گام اول - ایجاد تمهیدات لازم

در راستای ایجاد مقدمات لازم برای آغاز فرایند سناریونویسی، ابتدا اعضای تیم خبرگی تعیین شدند. همچنین طی مطالعات انجام شده، روندهای مؤثر بر آینده همکاری‌های عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی به شرح زیر احصاء گردید.

۱) وقوع قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ و شدت گرفتن بی‌نظمی در منطقه جنوب غرب آسیا: یکی از مهم‌ترین دلایل حرکت عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی در مسیر عادی سازی روابط، وقوع قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ بود. آن‌ها به این قیام‌ها نگاه مشترکی داشتند و آن را تهدید علیه امنیت خود می‌دانستند، زیرا سقوط حاکمان سنتی و وابسته در عمل، می‌توانست به تقویت محور مقاومت منجر شود (Alsaafin, 2017).

۲) جمهوری اسلامی به‌عنوان تهدید مشترک: یکی از مهم‌ترین دلایل حرکت عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی در مسیر عادی سازی روابط، نوع رابطه آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران است. «کوبی میشل»، محقق موسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل‌آویو عنوان می‌کند: عربستان سعودی به‌همراه کشورهای حوزه خلیج‌فارس به استثناء قطر تهدید مشترکی به نام ایران دارند. بنابراین رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان و امارات متحده در موضوع هسته‌ای ایران، بحران سوریه و همچنین مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان و سوریه منافع مشترک داشته و همسو باهم عمل کردند. (همان)

۳) نقش ایالات متحده آمریکا: عربستان و امارات متحده مهم‌ترین متحدین عرب آمریکا در منطقه غرب آسیا و رژیم صهیونیستی نیز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین متحد آمریکا در این منطقه محسوب می‌شوند. در واقع، متحد آمریکا بودن یکی از وجوه اشتراک میان آن‌ها است. دولت

آمریکا نه تنها سعی دارد نگرانی‌های عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی را از تهدید مشترک ج.ا.ایران درک کند بلکه از این تهدید برای دستیابی به اهداف خود در قبال این کشور بهره می‌گیرد. بر اساس راهبرد دولت آمریکا، حضور و نفوذ ج.ا.ایران و محور مقاومت در سطح منطقه غرب آسیا باید محدود شود. آمریکا بخشی از این راهبرد را از طریق اتحاد نیروهای طرفدار خود، برای تحت فشار قراردادن ج.ا.ایران پیگیری می‌کند (آجرلو، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

گام دوم: شناسایی بازیگران

بررسی کنشگران از وظایف اصلی یک آینده‌پژوه در مسیر سناریونویسی است. نمی‌توان یک رمان قوی نوشت، بدون آنکه شخصیت‌های اصلی آن داستان شناسایی و شخصیت‌پردازی شوند. در سناریونویسی نیز این اصل صادق است که باید تمامی بازیگران دارای اراده و منفعت در یک مسئله اجتماعی و سیاسی شناسایی شوند. در همین راستا بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر همکاری‌های دفاعی احتمالی میان عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی توسط خبرگان به شرح زیر شناسایی شدند:

جدول (۱) بازیگران مؤثر در همکاری‌های دفاعی احتمالی میان عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی

ردیف	بازیگران	اقدامات
۱	رژیم صهیونیستی	همکاری‌های غیررسمی / همکاری‌های رسمی در قالب نهادگرایی / همکاری رسمی مستقیم (چتر دفاعی متقابل) / عملیات فریب و تنش‌آفرینی برای تغییر محیط کنشگری
۲	امارات متحده	همکاری غیررسمی / ائتلاف‌سازی / همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی و آمریکا / رزمایش، آموزش و خرید تسلیحات / وضع قوانین و مقررات علیه ایرانیان ساکن امارات / شناسایی منابع مالی نظامی و استراتژیکی ج.ا.ایران
۳	عربستان سعودی	همکاری غیررسمی / ائتلاف‌سازی / تقویت توان نظامی / افزایش سطح همکاری با نیروها و پایگاه‌های آمریکایی / مداخله و تنش‌آفرینی در مناطق خاکستری
۴	آمریکا	تقویت و کاهش پایگاه و نیرو در منطقه / ائتلاف‌سازی / تجهیزکردن سیستم‌های نظامی، اطلاعاتی و پدافندی / حمایت از حاکمان عربستان و امارات / همکاری در حوزه فناوری (تأکید بر هسته‌ای)
۵	روسیه	فروش تسلیحات به تهران یا ریاض / حضور احتمالی در خلیج فارس / کنشگری موازنه‌ساز در محیط خاکستری / چتر حمایتی از ایران در شرایط بحران / همکاری اطلاعاتی با قدرتهای منطقه
۶	شبکه اخوانی	افزایش توان مانور و میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای / همکاری و تحریک اخوان در عربستان سعودی و امارات متحده
۷	محور مقاومت	هدف قراردادن منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه / تغییر معادلات منطقه خاکستری / تحریک جامعه داخلی عربستان سعودی و امارات متحده

گام سوم - شناسایی پیشران‌های مؤثر

پیشران رویدادی است که در صورت وقوع می‌تواند زنجیره‌ای از تغییرات را در پی داشته باشد. به عبارت دیگر انرژی نهفته در برخی از رویدادها و تصمیمات به قدری زیاد است که بلافاصله پس از رخداد، کنشگران به منظور مقابله یا بهره‌برداری از شرایط جدید دست به اقدامات جدی خواهند زد. در جلسه خبرگی پس از تبادل نظر میان اعضاء، در نهایت موارد زیر به عنوان پیشران مشخص شدند:

- ۱) ارزش و قیمت نفت خام
- ۲) رونق اقتصادی شبه جزیره عربستان سعودی
- ۳) سیاست منطقه‌ای آمریکا در منطقه غرب آسیا
- ۴) سیاست منطقه‌ای روسیه در منطقه غرب آسیا
- ۵) وضعیت بحران‌های منطقه‌ای
- ۶) ثبات سیاسی در عربستان سعودی و امارات متحده عربی
- ۷) ساخت نظام سیاسی در عربستان سعودی و امارات متحده عربی
- ۸) رویکرد دولت جدید رژیم صهیونیستی
- ۹) افزایش تنش‌های منطقه‌ای
- ۱۰) تغییر و تحولات نظامی - امنیتی از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرمانده‌های
- ۱۱) آینده ائتلاف‌های منطقه‌ای حول عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲) امنیت مسیرهای انتقال انرژی و کالا
- ۱۳) آینده جنبش‌های اجتماعی داخلی در منطقه (شبه جزیره عربستان)
- ۱۴) تقارن یا تداخل همزمان بحران‌های منطقه محور عربستان و محور مقاومت
- ۱۵) از سرگیری روابط قطر با عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری

گام چهارم - شناسایی عدم قطعیت‌ها

برای شناسایی عدم قطعیت‌ها الگوهای مدون و قطعی وجود ندارد. عدم قطعیت‌ها با توجه به موضوع، دسترس‌پذیری به خبرگان و صاحب‌نظران، کم و کیف داده‌ها و...، به دست می‌آیند. در این تحقیق، عدم قطعیت‌ها که با استفاده از مطالعات منطقه‌ای و نظرات گروه خبرگی، شناسایی شده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) وضعیت درآمدهای نفتی و اقتصادی عربستان سعودی
- ۲) سیاست منطقه‌ای آمریکا
- ۳) سیاست منطقه‌ای روسیه
- ۴) وضعیت بحران‌های منطقه‌ای

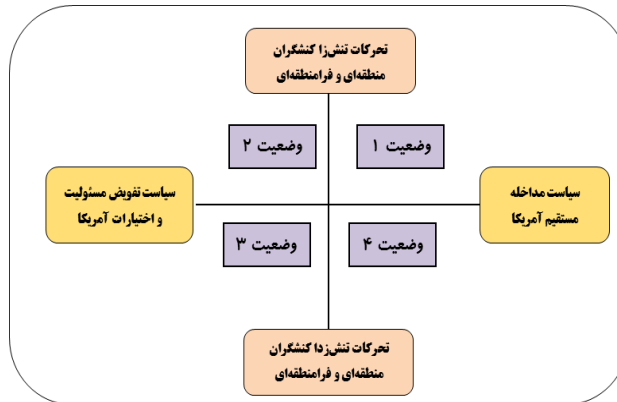
- ۵) ساختار و ثبات سیاسی در عربستان سعودی و امارات متحده
 - ۶) رویکرد دولت جدید رژیم صهیونیستی
 - ۷) وضعیت تنش‌های منطقه‌ای
 - ۸) تغییر و تحولات نظامی - امنیتی از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای
 - ۹) آینده ائتلاف‌های منطقه‌ای حول عربستان و ایران
 - ۱۰) امنیت مسیرهای انتقال انرژی و کالا
 - ۱۱) آینده جنبش‌های اجتماعی داخلی در منطقه (شبه جزیره عربستان)
 - ۱۲) تقارن یا تداخل همزمان بحران‌های منطقه محور عربستان و محور مقاومت
 - ۱۳) روابط قطر با عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری
- گام پنجم - تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی**

در این مرحله، فهرست عدم قطعیت‌ها در اختیار اعضای گروه خبرگی قرار گرفت تا با امتیازدهی به آن‌ها، موارد برجسته را مشخص کنند. نتایج این امتیازدهی در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول (۲) ارزیابی اهمیت عدم قطعیت‌ها و تعیین موارد کلیدی

ردیف	عدم قطعیت	امتیاز	درجه اهمیت
۱	وضعیت درآمدهای نفتی عربستان	۳۸	بسیار مهم
۲	وضعیت اقتصادی شبه جزیره عربستان	۳۶	مهم
۳	سیاست منطقه‌ای آمریکا	۵۰	کلیدی
۴	سیاست منطقه‌ای روسیه	۳۵	مهم
۵	وضعیت بحران‌های منطقه‌ای	۴۵	بسیار مهم
۶	ساختار و ثبات سیاسی در عربستان و امارات	۴۴	بسیار مهم
۷	رویکرد دولت جدید رژیم صهیونیستی	۴۰	مهم
۸	وضعیت تنش‌های منطقه‌ای	۴۴	بسیار مهم
۹	تغییر و تحولات نظامی - امنیتی از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای	۴۶	کلیدی
۱۰	آینده ائتلاف‌های منطقه‌ای حول عربستان و ایران	۴۲	مهم
۱۱	امنیت مسیرهای انتقال انرژی و کالا	۳۳	مهم
۱۲	آینده جنبش‌های اجتماعی داخلی در منطقه (شبه جزیره عربستان)	۳۶	مهم
۱۳	تقارن یا تداخل همزمان بحران‌های منطقه محور عربستان و محور مقاومت	۳۸	بسیار مهم
۱۴	روابط قطر با عربستان و دیگر اعضای شورای همکاری	۲۷	متوسط

با توجه به نتایج جدول (۲)، به خوبی می‌توان به امتیاز بالای « سیاست منطقه‌ای آمریکا و تحرکات نظامی - امنیتی از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای » پی برد. پس از مشاوره با گروه خبرگان، گزینه‌هایی که حائز بیشترین امتیاز بودند انتخاب و در پی این تصمیم، چهار وضعیت با مختصات زیر به دست آمد:



نمودار (۱) وضعیت‌های مختلف برای تدوین سناریوها

گام ششم - نگارش سناریوها

با توجه به وضعیت‌های ارائه شده در نمودار (۱) چهار سناریو به شرح زیر مورد نگارش قرار گرفتند:

الف - سناریوی اول: منطقه غرب آسیا؛ منطقه‌ای پرتنش

شاخص‌های راهنما

- بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تحرکات تنش‌زا انجام می‌دهند و در کنار و گوشه منطقه، تحرکات، شیطنت‌ها و ماجراجویی با کشورها دیده می‌شود.
- آمریکا با توجه به اهداف و منافع غرب آسیا دارد در منطقه حضور فعال داشته و اقدام به تقویت نیروها و پایگاه‌های خود از نظر کمی و کیفی نموده است.

رویدادهای کلیدی

در این بخش با استفاده از نظرات اعضای تیم خبرگی، رویدادهای کلیدی که توسط بازیگران در این سناریو انجام می‌شود به شرح جدول (۳) مورد شناسایی قرار گرفتند:

جدول (۳) رویدادهای کلیدی توسط بازیگران در سناریو اول

ردیف	بازیگران	اقدامات
۱	رژیم صهیونیستی	عملیات فریب و تنش آفرین برای تغییر محیط کنشگری
۲	امارات متحده	تلاش برای ائتلاف سازی / همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی / خرید تسلیحات / فشار به ایرانیان ساکن امارات / شناسایی منابع ملی نظامی و استراتژیکی ج.ا.ایران
۳	عربستان سعودی	افزایش درآمد نفتی ← رونق / خرید تسلیحات / تلاش برای مشروعیت سازی
۴	آمریکا	افزایش کمی و کیفی پایگاه ها و نیروها در منطقه / حمایت از هیئت حاکمه عربستان و امارات / فروش تسلیحاتی (تسریع)
۵	روسیه	میانجیگری تنش / فروش تسلیحات به بازیگران کلیدی منطقه
۶	شبکه اخوانی	اول صبر و سکوت راهبردی برای اتخاذ موضع دقیق / تلاش برای موازنه گری
۷	محور مقاومت	اثر گذاری بر آرایش قدرت در منطقه خاکستری / تحریک جوامع داخلی عربستان و امارات متحده / هدف قراردادن منافع عربستان سعودی و امارات متحده

دورنمای (چشم انداز) سناریوی اول:

در این سناریو آمریکا در منطقه حضور مستقیم داشته و تعداد نیروها و پایگاه های خود را از نظر کمی و کیفی افزایش داده است. آمریکا به دنبال ائتلاف سازی با شرکای منطقه ای خود و سایر کشورهای فرامنطقه ای همچون ائتلاف دریایی در خلیج فارس می باشد. تحرکات و تنش های بین بازیگران اصلی منطقه از دعوای سیاسی شروع و به تنش های میدانی و نظامی منجر می گردد. به طور کلی منطقه غرب آسیا در این سناریو به یک منطقه پرتنش تبدیل شده است. همچنین در این سناریو، همکاری های غیر رسمی میان عربستان سعودی و امارات متحده با رژیم صهیونیستی بیشتر شده و عمدتاً جنبه اطلاعاتی و در برخی موارد تا نظامی هم پیش می رود. با توجه به پشتیبانی مستقیم آمریکا از آن ها در این سناریو، انجام عملیات های محدود بر علیه منافع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت متصور است.

پیامدهای سناریوی اول برای جمهوری اسلامی ایران

- جمع آوری اطلاعات و جاسوسی از مراکز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه
- عملیات ترور بر علیه مسئولین و دانشمندان در داخل و خارج کشور
- عملیات ترور بر علیه فرماندهان محور مقاومت در منطقه
- حمایت از گروهک های تروریستی برای انجام اقدامات تروریستی در مرزهای کشور
- بمباران مناطق حساس و حیاتی کشور از جمله مراکز هسته ای، تحقیقاتی و...
- عملیات سایبری بر علیه مناطق حساس و حیاتی کشور از جمله مراکز هسته ای، تحقیقاتی و...

● هدف قراردادن پایگاه‌های محور مقاومت در منطقه

ب- سناریوی دوم: منطقه غرب آسیا؛ منطقه‌ای بی ثبات

شاخص‌های راهنما

● بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحرکات تنش‌زا نسبت به همدیگر انجام می‌دهند و در کنار و

گوشه منطقه تحرکات و ماجراجویی کشورها مشاهده می‌شود.

● آمریکا با توجه به بحران‌های اقتصادی که ممکن است از شرق آسیا شروع شده باشد، منطقه را

به اولویت دوم خود تبدیل کرده و اختیارات خود را به شرکای منطقه‌ای واگذار نموده است.

رویدادهای کلیدی

در این بخش با استفاده از نظرات اعضای تیم خبرگی رویدادهای کلیدی که توسط بازیگران در این

سناریو انجام می‌شود به شرح جدول (۴) شناسایی شدند:

جدول (۴) رویدادهای کلیدی توسط بازیگران در سناریوی دوم

ردیف	بازیگران	اقدامات
۱	رژیم صهیونیستی	همکاری در قالب نهادگرایی / فعال‌تر شدن همکاری غیررسمی / تقویت نظامی
۲	امارات متحده	خرید تسلیحات
۳	عربستان سعودی	خرید تسلیحات / استفاده از ظرفیت شورای همکاری خلیج فارس
۴	آمریکا	حمایت سیاسی و ائتلاف‌سازی حول محور رژیم صهیونیستی (تشدید) / کاهش نیرو و افزایش جنبه اطلاعاتی
۵	روسیه	افزایش حضور در معادلات منطقه در نبود آمریکا / فروش تسلیحات / حمایت از ائتلاف‌های نوین فرامنطقه‌ای
۶	شبکه اخوانی	کم رنگ شدن نقش / تشدید تحرکات در داخل کشورها (امارات و عربستان)
۷	محور مقاومت	رسمیت بخشیدن به پیمان چندجانبه محور مقاومت / حمایت از حضور چین و روسیه / افزایش تحرکات رسانه‌ای و سیاسی برای اثرگذاری بر تحولات داخلی عربستان سعودی

دورنمای (چشم‌انداز) سناریوی دوم:

در این سناریو به دلیل نبود قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا در منطقه غرب آسیا، بحران‌ها و

تنش‌ها فرسایشی شده و در نتیجه منطقه دچار بی‌ثباتی پایدار می‌شود و از طرف دیگر به دلیل

درگیری فرسایشی منطقه، بازیگران اصلی منطقه از نظر سیاست داخلی دچار مشکل می‌شوند.

در این وضعیت همکاری میان کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده با رژیم صهیونیستی

غیررسمی و بیشتر جنبه اطلاعاتی و تجهیزاتی خواهد بود و به دلیل حضور نداشتن آمریکا در منطقه،

از نظر میدانی و دیپلماتیک اقدامات عمده‌ای بر علیه ج.ا.ایران نخواهند داشت. اگر تحرکاتی هم

داشته باشند خیلی محدود خواهد بود.

پیامدهای سناریوی دوم برای جمهوری اسلامی ایران

- جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی از مراکز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه
- عملیات محدود بر علیه پایگاه‌های محور مقاومت در منطقه برای کاهش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران

ج- سناریوی سوم: منطقه غرب آسیا؛ منطقه‌ای نسبتاً پایدار

شاخص‌های راهنما

- بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال کاهش سطح تنش در منطقه هستند و بیشترین رقابت بین آن‌ها، رقابت اقتصادی است.
 - آمریکا به دلیل رقابت شدید با چین و مقابله با بحران کره شمالی بیشتر حضور خود را در منطقه شرق آسیا متمرکز نموده است و منطقه غرب آسیا را به شرکای منطقه‌ای خود واگذار کرده است.
- رویدادهای کلیدی

در این بخش با استفاده از نظرات اعضای تیم خبرگی رویدادهای کلیدی که توسط بازیگران در این سناریو انجام می‌شود به شرح جدول (۵) شناسایی شدند:

جدول (۵) رویدادهای کلیدی توسط بازیگران در سناریوی سوم

ردیف	بازیگران	اقدامات
۱	رژیم صهیونیستی	افزایش همکاری غیررسمی / کاهش شانس دولت راست‌گرا / رفتار تحریک‌آمیز و محدود در منطقه
۲	امارات متحده	افزایش همکاری غیررسمی / اولویت بخشی به سیاست داخلی و اقتصادی / برقراری رابطه با قطر / حمایت قانونی از ایرانیان ساکن در این کشور
۳	عربستان سعودی	افزایش همکاری غیررسمی / اولویت بخشی به سیاست داخلی و اقتصادی / برقراری رابطه با قطر و امارات متحده / پایان بحران یمن
۴	آمریکا	افزایش سرمایه‌گذاری و همکاری فناوری (هسته‌ای) و اقتصادی با ریاض / کاهش نیرو و پایگاه‌ها در منطقه
۵	روسیه	تقویت نقش به همراه سازمان اوپک
۶	شبکه اخوانی	فعال شدن اخوان در کشورهای عراق، سوریه و یمن
۷	محور مقاومت	تسریع سیاسی شدن جریان مقاومت

دورنمای (چشم‌انداز) سناریوی سوم:

در این سناریو آمریکا تعداد نیروها و پایگاه‌های خود را در منطقه غرب آسیا، از نظر کمی و کیفی کاهش داده است. رقابت کشورهای منطقه‌ای به سمت موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

اجتماعی گرایش یافته است و اصلاحات داخلی در عربستان سعودی و امارات متحده به منظور حل چالش‌هایی مثل فقر، بیکاری تبعیض و... آغاز می‌شود. به طور کلی در این سناریو منطقه غرب آسیا، منطقه‌ای پایدار و از ثبات نسبی برخوردار است. در این سناریو، با توجه به شرایط منطقه، رژیم صهیونیستی همکاری‌های غیر سمی خود را با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده در زمینه‌های اطلاعاتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌دهد. همکاری میان آن‌ها در زمینه دفاعی و نظامی بیشتر در زمینه تبادلات اطلاعاتی بوده و هیچگونه تحرکات میدانی نخواهند داشت.

پیامدهای سناریوی سوم برای جمهوری اسلامی ایران

- جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی از مراکز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه
- فرصت برای جمهوری اسلامی برای نفوذ در کشورهای منطقه و افزایش عمق راهبردی خود

د- سناریوی چهارم: منطقه غرب آسیا؛ منطق‌های آرام و پایدار

شاخص‌های راهنما

- آمریکا با توجه به اهداف و منافع که در منطقه غرب آسیا دارد حضور مستقیم و فعالی در این منطقه دارد.

- بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحرکات تنش‌زایی در منطقه نداشته و سعی در کاهش تنش با سایر بازیگران را دارند و بیشترین اقدامات کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به رقابت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی معطوف می‌باشد.

رویدادهای کلیدی

در این بخش با استفاده از نظرات اعضای تیم خبرگی رویدادهای کلیدی که توسط بازیگران در این سناریو انجام می‌شود به شرح جدول (۶) شناسایی شدند:

جدول (۶) رویدادهای کلیدی توسط بازیگران در سناریوی چهارم

ردیف	بازیگران	اقدامات
۱	رژیم صهیونیستی	کاهش نسبی همکاری‌های غیر سمی / پررنگ شدن پرونده‌های سیاسی (انتقال سفارت، معادله قرن و...)
۲	امارات متحده	تقویت سطح روابط با ایران و قطر
۳	عربستان سعودی	تسهیل روابط با ایران و قطر
۴	آمریکا	امکان مذاکرات موضوعی غیرمستقیم با ج.ا.ایران
۵	روسیه	کاهش فضای مانور راهبردی روسیه / تثبیت حوزه‌های نفوذ از طریق مشارکت سیاسی و اقتصادی در معادلات منطقه
۶	شبکه اخوانی	تمرکز بر کنشگری در سیاست داخلی و تحولات اجتماعی کشورها
۷	محور مقاومت	حفظ ماهیت دوگانه سیاسی و نظامی / تلاش برای اثرگذاری بر بازسازی و تحولات داخلی عراق و سوریه و لبنان

دورنمای (چشم‌انداز) سناریوی چهارم:

در این سناریو آمریکا در منطقه حضور دارد ولی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به سمت تنش‌زدایی حرکت می‌کنند و منطقه به یک ثبات نسبی رسیده و فرآیند بازسازی کشورهای سوریه، یمن و عراق با حضور و رقابت کشورهای اروپایی، آمریکا، روسیه، چین و کشورهای منطقه شروع شده است. کشورهای امارات متحده و عربستان سعودی رفتارشان را در مقابل ایران تغییر داده و روابط دیپلماتیک خود را افزایش می‌دهند. در این سناریو ج.ا.ایران از ثبات اقتصادی و سیاست داخلی برخوردار است و نقش اروپا در معادلات ج.ا.ایران و بازسازی یمن و سوریه پررنگ‌تر شده است. آمریکا هم نسبت به مواضع قبلی خود نسبت به ایران منعطف‌تر شده است. در این سناریو، رژیم صهیونیستی با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده کمترین همکاری غیررسمی در زمینه دفاعی و نظامی دارند و بیشتر روابط میان آن‌ها سیاسی و اقتصادی است.

پیامدهای سناریوی چهارم برای جمهوری اسلامی ایران

- جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی از مراکز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه
- فرصت برای جمهوری اسلامی برای نفوذ در کشورهای منطقه و افزایش عمق راهبردی خود

گام هفتم- ارزیابی سناریوها

در این گام حضور صاحب‌نظرانی که در فرایند، مشارکت فعال نداشته‌اند، بسیار کلیدی است. بنابراین به‌منظور ارزیابی و اولویت‌بندی سناریوهای تدوین شده، پرسشنامه‌ای حاوی چهارگویه تنظیم و بین جامعه آماری توزیع گردید، پرسش‌نامه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از روش‌های کمی آماری توصیفی نظیر جداول توزیع فراوانی به شرح زیر مورد تحلیل قرار گرفتند:

الف- ارزیابی سناریوها از نظر مورد تأییدبودن

در گویه اول از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود تا نظر خود را در خصوص تأیید سناریوها بیان کنند که نتایج حاصل در جدول (۷) ارائه گردیده است:

جدول (۷) ارزیابی سناریوها از نظر مورد تأییدبودن

ردیف	شاخص	مورد تأیید است		مورد تأیید نیست	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
S1-1	سناریوی شماره اول	۷۰	۳۵	۱۵	۳۰
S1-2	سناریوی شماره دو	۳۰	۱۵	۳۵	۷۰
S1-3	سناریوی شماره سه	۵۴	۲۷	۲۳	۴۶
S1-4	سناریوی شماره چهار	۲۸	۱۴	۳۶	۷۲

جدول فوق نشان‌دهنده آنست که پاسخ‌دهندگان سناریوهای شماره یک و شماره سه را به ترتیب مورد تأیید قرار داده‌اند.

۲- ارزیابی سناریوها از نظر مطلوب بودن

در گویه شماره دو پرسشنامه از جامعه آماری خواسته شده بود که سناریوهای تهیه شده را بر اساس مطلوبیت اولویت‌بندی نمایند. پس از جمع‌آوری نظرات پاسخ‌دهندگان، داده‌ها در نرم‌افزار spss، از روش چندگزینه‌ای^۱ مورد تحلیل قرار گرفتند که نتایج حاصل در جدول (۸) ارائه شده است:

جدول (۸) اولویت‌بندی سناریوها از نظر مطلوبیت

سناریوی ۴		سناریوی ۳		سناریوی ۲		سناریوی ۱		اولویت مطلوبیت	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۳۴	۱۷	۵۴	۲۷	۱۰	۵	۲	۱	اولویت اول	€Q2-1
۵۰	۲۵	۳۶	۱۸	۱۲	۶	۲	۱	اولویت دوم	€Q2-2
۱۴	۷	۸	۴	۶۸	۳۴	۱۰	۵	اولویت سوم	€Q2-3
۲	۱	۲	۱	۱۰	۵	۸۶	۴۳	اولویت چهارم	€Q2-4

با توجه به جدول فوق مشخص است که ۵۴ درصد از پاسخ‌دهندگان سناریوی سوم را به‌عنوان مطلوب‌ترین سناریو انتخاب نموده‌اند.

۳- ارزیابی پایداری سناریوها

در گویه شماره سه پرسشنامه، از جامعه آماری خواسته شده که سناریوهای تهیه شده را بر اساس پایداری اولویت‌بندی نمایند که نتایج حاصل در جدول (۹) ارائه گردیده است:

جدول (۹) اولویت‌بندی سناریوها از نظر پایداری

سناریوی ۴		سناریوی ۳		سناریوی ۲		سناریوی ۱		اولویت پایداری	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۸	۱۴	۴۲	۲۱	۱۴	۷	۱۶	۸	اولویت اول	€Q3-1
۴۰	۲۰	۳۲	۱۶	۱۶	۸	۱۲	۶	اولویت دوم	€Q3-2
۲۰	۱۰	۲۰	۱۰	۴۴	۲۲	۱۲	۶	اولویت سوم	€Q3-3
۱۲	۶	۸	۴	۲۲	۱۱	۵۸	۲۹	اولویت چهارم	€Q3-4

۱. Multiple response

جدول فوق نشان‌دهنده آن است که سناریوی شماره سوم، بر اساس نظر ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان از پایداری بالایی نسبت به بقیه سناریوها برخوردار است.

۴- ارزیابی سناریوها از نظر احتمال وقوع

در گویه شماره چهار پرسش‌نامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود تا نظر خود را در خصوص محتمل‌ترین سناریو بیان نمایند که نتایج حاصل در جدول (۱۰) ارائه گردیده است:

جدول (۱۰) ارزیابی سناریوها از نظر احتمال وقوع

سناریوی ۴		سناریوی ۳		سناریوی ۲		سناریوی ۱		محتمل‌ترین سناریو از نظر وقوع	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۴	۸	۲۶	۱۲	۱۶	۸	۴۴	۲۲	اولویت اول	€Q4-1
۱۴	۷	۴۰	۲۰	۲۸	۱۴	۱۸	۹	اولویت دوم	€Q4-2
۴۰	۲۰	۱۶	۸	۲۰	۱۰	۲۴	۱۲	اولویت سوم	€Q4-3
۲۶	۱۳	۱۴	۷	۳۸	۱۹	۲۲	۱۱	اولویت چهارم	€Q4-4

با توجه به یافته‌های جدول فوق مشخص است که ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان، سناریوی شماره یک را به‌عنوان محتمل‌ترین سناریو از نظر وقوع انتخاب نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، تاکنون در خصوص همکاری‌های دفاعی رژیم صهیونیستی و کشورهای عربستان و امارات متحده تحقیقی به‌صورت مدون انجام نگرفته است، لذا در این مقاله تلاش گردید تا همکاری‌های احتمالی دفاعی میان آن‌ها احصاء شود که از نوآوری این مقاله می‌باشد. مهمترین عامل همگرایی و همکاری رژیم صهیونیستی و کشورهای عربستان و سعودی و امارات متحده، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدید مشترک و وابستگی به آمریکا به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت آن‌ها می‌باشد. لذا با توجه به این موضوع، همکاری‌های احتمالی میان آن‌ها از روش سناریونویسی استفاده شده و با تشکیل جلسات خبرگی در نهایت چهار سناریو تنظیم و تدوین گردیده است. سناریوهای تدوین شده پس از اخذ نظرات افراد صاحب‌نظر و خبره (جامعه آماری) از نظر مطلوبیت و احتمال وقوع و... مورد ارزیابی قرار گرفتند که سناریوهای شماره اول (منطقه غرب آسیا؛ منطقه پرتنش) و شماره سوم (منطقه غرب آسیا؛ منطقه نسبتاً پایدار) به ترتیب اولویت مورد تأیید قرار جامعه آماری گرفتند. همچنین بر اساس

نظر اعضای گروه خبرگی و تأیید جامعه آماری، مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران، سناریوی شماره سوم (منطقه غرب آسیا؛ منطقه نسبتاً پایدار) می‌باشد. بر اساس نظر و تأیید جامعه آماری سناریوی سوم از پایداری بالایی نسبت به بقیه سناریوها برخوردار است. همچنین محتمل‌ترین سناریو بر اساس نظر گروه خبرگی و تأیید جامعه آماری، سناریوی شماره اول (منطقه غرب آسیا؛ منطقه پرتنش) می‌باشد.

منابع

- احمدی، حسین. (۱۳۹۰). *جغرافیای امارات متحده عربی*، تهران: انتشارات مشعر.
- احمدی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). *جغرافیای عربستان سعودی*، تهران: انتشارات مشعر.
- احمدی، وحیده. (۱۳۹۶). اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۲۰(۲): ۱۳۵-۱۱۳.
- اخوان کاظمی، مسعود، صادقی، سیدشمس‌الدین. و نیکونهاد، ایوب. (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶(۴۲): ۲۱۴-۱۹۱.
- اخوان کاظمی، مسعود، نریمانی، گلناز. و صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۹۵). تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۳(۴۷): ۱۴۶-۱۲۵.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۱): ۱۳۳-۱۰۷.
- آدمی، علی،، نظیفی نائینی، نازنین. و بیژن، عارف. (۱۳۹۷). اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۷(۲۷): ۲۱۶-۱۸۹.
- پدرام، عبدالرحیم. و زالی، سلمان. (۱۳۹۷). الگوی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی مطالعه موردی: سناریوهای آینده بحران سوریه، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*. ۷(۲): ۲۶-۱.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- خوش‌دهان، علی. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی با تکنیک سناریونویسی*، تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- زنجانی، داود. (۱۳۹۶). تبیین تهدیدات هوایی رژیم صهیونیستی و راهبردهای مقابله با آن‌ها، *رساله دکتری، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی*.

- سفلی شاهرودی، ایرج، امانت، حمیدرضا. و طباطبایی سیدمحمد. (۱۳۹۸). تعیین سناریوهای تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی. ۴ (۱۴): ۱۱۵-۱۳۳.
- صفوی، سید یحیی، حاتمی، حمیدرضا. و مرادیان، محسن. (۱۳۹۴). مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظامی مؤثر بر روابط دفاعی امنیتی ج.ا.ایران با ترکیه، مجله سیاست دفاعی. ۲۳ (۹۲): ۹۲-۱۲۴.
- علیزاده، عزیز. و وحیدی مطلق، وحید. و ناظمی، امیر. (۱۳۹۱). سناریو نگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- کارگروه آینده پژوهی و آینده نگاری نیروهای مسلح آینده. (۱۳۹۱). مبانی، ادبیات و مبانی نظری آینده پژوهی، تهران: معاونت امور راهبردی و اشراف کلی فرماندهی معظم کل قوا.
- مرادی کلارده، سجاد. (۱۳۹۷). متغیرهای مؤثر در سیاست خارجی عربستان سعودی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- معاونت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۹۶). کتاب پایه امارات متحده عربی، تهران: انتشارات معاونت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- معاونت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۹۶). کتاب پایه عربستان سعودی، تهران: انتشارات معاونت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ملکی، محمدرضا. (۱۳۸۶). استراتژی اسرائیل در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۴ (۶): ۲۳-۶۶.
- نادری، مسعود. و تاجیک، هادی. (۱۳۹۷). سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ میلادی، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی. ۳ (۱۱): ۷-۲۸.
- Bell, W. (2003). Foundations of Futures Studies, New Jersey: Transaction Publishers.
- Sharp, Jeremy M. (2017). Yemen: Civil War and Regional Intervention. Congressional Research Service. Available online at: www.crs.gov R43960.